سیدی رحمة الله میگوید مراد راه بهشت چه اگر روز قیامت دو راه خواهد بود یکی راه دوزخ و ازان خبر داده که فَاهْدُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطِ الْجَحِيمِ
دیگری راه بهشت ازان نیز اخبار میکند بدین آیه که اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ پس صراط المستقیم در مقابله صراط الجحیم باشد در کشف الحقایق
آورده که صراط المستقیم راه حضرت سید المرسلین است صلعم و اهل بیت او ست و جامع ترین سخنی که علماء شریعت گوینده آنست که صراط المستقیم
راه حضرت پیغمبر است صلعم و اهل بیت عظام و اصحاب کرام آنحضرت است و دلیل برین آنکه ایزد سبحانه تعالی در حق آنحضرت فرموده وَيَهْدِيَكَ
صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا و اصحاب اکه جناب ملازم رسالت بوده چنین بسته و وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا پس صراط المستقیم نباشد
گمراه و روش ایشان در تیسیر از بکر بن عبدالله المزنی نقل میفرماید که حضرت مصطفی صلعم را در واقعه دیدم از حقیقت صراط المستقیم سوال کردم
فرمود که آن راه سنت است زیرا که هرچه بدعت را بران راه باشد آن صراط المستقیم صفت نتوان کرد کل بدعة ضلالة و گوید
بر استی کلام خداست و سنت رسول خداست بیت هرچه مبنی غیر قرآن و حدیث مصطفی و آنچه با آنها موافق از کلام و لیات
جمله را ناحق شناس حظ البطلان کش در راه حق است شوا نم نهش را راست وصل بسان اهل اشارت صراط المستقیم
آنست که گواهی دهد بر صحت آن دلایل توحید و تنبیه کند بر شرف و عزت آن شواهد التحقیق و گفته اند راهیست که روند در آن خطوط
بر مانده و بحقوق رساند فی الواقع این قول جامع است محمد حکیم رحمة الله گوید این طریق خوف و رجاست چه آن در صفت سالک را ابل
اقبالست که بدان در هوای فضای میان پرواز تواند کرد ای درویش هیچ مؤمنی را ازین دو صفت چاره نیست خوف بی جا
قنوطست از رحمت نامتناهی و رجای بی خوف از مکر الهی پس تاب آفتاب رجا ناچار است تا تاریک حالات ظلمت آباد
گناه را از دوستی عفو خبر دهد و در تیه نامرادی گمراه نکردند وَمَن يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ و تازیانه ریاضت خوف
درکار است تا بهیمه صفتان مواقع آرزوی نفس هوا را از صدمه قهاری علام کند و رباز از عمل بان زده نشوند فَلَا يَأْمَنُ
مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ و در عوارف المعارف از سهیل بن عبدالله نقل میکند که خوف مذکر است و رجا مونث
هر دو جمع شوند حقیقت ایمان ازیشان تولد کند خوف قاید طریق جلالست و رجا هادی جمال مالک و باید که پیوسته بیابد
قهر و جلال می گریزد و از خارستان خذلان ترسان میشود و همواره حدیقه لطف جمال را تماشا میکند و بتفرج شقایق توفیق
و احسان شادان میگردد بیت فیض کرم نگر کن و امیدوار باش و ز سطوت غضب نگر و ترس کار باش و اگر صاحب نصاب
برعکس این گفته که صراط المستقیم راهیست که سالک را آن راه نه خوف باشد و نه رجا مراد خوف دوزخ است و رجای بهشت
و اگر نه بی خوف و رجا کار پیش نمیرود و خوف از وی باید و رجا بدو چنانچه أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ و آنها بدین مقام رسند از وی
بجز وی نخواهند و از وی جز وی نه پناهند ع ما را بتو از تو تمنای دگر نیست در کشف الحقایق آورده صراط مستقیم راه توحید است
که خواص بندگان از زمان آدم تا دوران خاتم بران بوده اند و موید این قول است آنکه شبلی رحمة الله فرمود که صراط المستقیم
افتقار و احتیاج تلقین کرده اند و در اخبار آمده که ابی حفص حداد رحمة الله پرسیدند که چه چیزی بری نزد خدای تعالی فرمود که جز
درویشی تحفه ندارم و درویش جز نیاز عنی مطلق بجز فقر بیچارگی و ازینجا گفته اند بیت چه آورم بتو چون هرچه هست جمله تو داری

ما

مگر شفاعت و عجز و نیازمندی زاری تحفه نزد سلاطین چیزیست که در خزینه ایشان نباشد پس در بارگاه واجب که از حضرت
احتیاج بی نیاز است جز محتاجی نیاز نباشد بیت هر کس نیازمند کسی شد بصورتی ما پس نیاز بر در بدرگاه بی نیاز آنکه لطف
صراط نزد محقق آنست که سالک را از حق سبحانه و تعالی همواره صراط هدایت باز نماند بلکه چنان در بحر معرفت مادی پستوق کرده
که نه از ساحل راه و قوف یابد و نه از گوهر غایت بیت بر چه از دست و امانی حجابست در بسیار آورده که صراط المستقیم آنست
که باطن موافق ظاهر باشد و ظاهر متابع باطن تا آن کند که داند و آن داند که کند آن اندیشه که نماید و آن نماید که اندیشد و از خدای
شنود و با او گوید برای او گوید و رضای او جوید چنانچه گفته اند بیت حضر برای تو جویم سفر برای تو پویم سخن برای تو گویم
خمش برای تو باشم و در ارشاد ابو الحکم آمده که ابو نا شرح مجمل ایاک نعبد و تفصیل اجمال آنست و صراط المستقیم پرستش خود بعبادت
و حدت بشرط ایمان و اخلاص شهود و بعبود نه مشاهده عبادت و گفته اند طریق زهد و توکل است و جمیع صفات و احوال
اهل سلوک را صراط المستقیم میتوان گفت جمعی از خصوص راه معرفت میدانند و امام اجل رحمة الله فرموده بحکم خلقت الخلق لاعرف
علت غایی ز آفریدن خلق جز معرفت الله نیست پس حق سبحانه تلقین فرموده بندگان را که از من هدایت طلبید براه معرفت که شما را
برای آن خلق کردم چون نزد محققان معرفت الله نتیجه زهد و عبادتست پس ذکر ایاک نعبد هدایت بر طلب معرفه حمل کردن خالی
از نسبتی نیست بیت جان شرع و جان تقوی عارفست معرفت محصول زهد سالکست زاهد اندر کاشتن کوشیده است
معرفت آن کشت را رویده است آگهی بود تر از ما شناخت تو برباره ندای عشق باخت در درون یکذره نور عارفی به بود
از صد معرفت ای فی و قول جنید قدس سره در تعریف صراط المستقیم آنست که هر راهی را که سالک بدو دست رساند آن راه مستقیم
است در بحر الحقایق آورده که صراط المستقیم طریق حضرت سید المرسلین است صلعم که هر که براه او بمقصد رسد و از حسین منصور رحمة الله نقل
کرده اند که آن راه محبت است و این سخن احتمال آن دارد که مراد از محبت حق تعالی باشد با بنده که از فحوای یحبهم و یحبونه معلوم میشود
یا محبت بنده با حق که از مضمون یحبهم و یحبونه مفهوم گشت یعنی همای همای او است که آن را محبت که بما فقیران داری بوسیله
آن نعمات محبت سراهم یار شاد کن ما را که بر چه وجه طریق محبت تو در آیم محبت بنده با دوست اقبالست بر حق بکلیه خود محبت
حق با بنده و ارادت چیزی مخصوص ایصال سری علی الخصوص است بدو محبت خلق را نهایت هست و محبت حق را غایت نی از سمنون
محب رحمة الله پرسیدند که محبت چیست گفت از محبت بنده با حق می پرسید یا از محبت حق با بنده اگر سوال ازین محبت
خاموش باشید که درین ساعت با خضر صلعم بودم نکته از محبت حق با بنده میگفتیم ملایکه ملکوت را طاقت استماع آن نبود ای درویش
اگر شمه از حقیقت محبت پیدا کنند و اهل عقول را امواج بحار زخار عظمت مضمحل کردند و در لوامع آورده که لوامع سریست
پنهان و امر ذوقی و جدانی تا نچشند ندانند چون بدانند پنهان نشوانند رباعی هر کس بویی ز باده عشق شنید از کوی خرابات
پیمانه کشید و آنکس که بکام دل از آن می بچشید نهش هرگز خبر آن می نرسید امام حجة الاسلام در رساله مضمون میفرماید
که صراط المستقیم عبارتست از وسط حقیقی میان اخلاص متضاد و میان تبذیر و تقتیر و عفت میان شهوت و خمود و تواضع و میان

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)